

بررسی اسطوره جمشید در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و «جام جمشیدی» عبدی بیگ شیرازی در تطبیق با نگاره‌های جمشید در شاهنامه بایسنقری

چکیده

اسطوره‌ها پدید می‌آیند تا انسان‌ها در قالب این اساطیر، به بازنمود اندیشه‌ها، آرزوها، آرمان‌ها، یا نیازهای بشری خود در بستر زندگی بپردازند و در هر دوره از سیر تکاملی آن، مطابق با آرزوهای خود و خوشامد ذوقشان، بر مبنای روش‌های معین و مشخصی، تغییر و تحولی در ساختار آن پدید آورند. اسطوره جمشید و داستان دلدادگی وی نیز از این امر مستثنی نیست؛ سیر تحول تاریخی این اسطوره بیانگر این مهم است. این اسطوره در نسخ مصور شاهنامه نیز ترسیم شده و مورد توجه است. این پژوهش، به‌گونه‌ی توصیفی - تحلیلی به بازنمود چگونگی آن پرداخته شده است و برای تبیین بیشتر موضوع، بر دو نمونه متأخر، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، و جدیدتر، نسخه خطی منظومه جام جمشیدی عبدی بیگ نویدی شیرازی تأکید شده است تا تفاوت ساختاری موضوع واحد، در دو روایت، به تصویر کشیده شود. همچنین بررسی اسطوره جمشید در نسخه مصور شاهنامه بایسنقری نیز به‌نوعی ترسیم و بازنمود نگاره‌های فرهنگی حاکم بر این دوره تاریخی است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اسطوره جمشید در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و نسخه خطی جام جمشیدی عبدی بیگ شیرازی.
۲. بررسی نگاره‌های اسطوره جمشید در شاهنامه بایسنقری.

سوالات پژوهش:

۱. اسطوره جمشید در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و نسخه خطی عبدی بیگ شیرازی چه جایگاهی دارد؟
۲. نگاره‌های اسطوره جمشید در شاهنامه بایسنقری چگونه بازتاب یافته است؟

کلیدواژه‌ها: اسطوره جمشید، گرشاسب‌نامه، اسدی طوسی، جام جمشیدی، شاهنامه بایسنقری.

مقدمه

یکی از انواع ادبی که سابقه‌ای دیرین در ادبیات فارسی دارد، داستان‌سرایی است. ایرانیان پیش از اسلام با این شیوه سرودن آشنا بوده‌اند. ابن‌ندیم در الفهرست (۴۶۳-۳۶۳) آورده که ایرانیان قدیم‌ترین اقوامی هستند که به افسانه و قصه اهمیت می‌دادند و آن‌ها را جمع‌آوری می‌کردند. او داستان‌هایی را از ایران پیش از اسلام نام می‌برد که برخی به نثر نوشته شده و برخی دیگر به زبان شعر سروده شده‌اند؛ داستان‌هایی مانند شهر براز و پرویز، دارا و الصنم الذهب داستان‌های منظوم کهن فارسی هستند. از جمله منابعی که به شعر و به زبان پهلوی به‌جا مانده، می‌توان منظومه درخت آسوریک است. این منظومه گفت‌وگو و مناظره‌ای بین درخت خرما و بز است (اکبرلو، ۱۳۹۷: ۱۸). اصل داستان بلوهر و بوذاسف و ویس و رامین نیز متعلق به همان ایام است که اولی به زبان سانسکریت و دومی به زبان پهلوی روزگار اشکانی نوشته شده بود که به ترتیب، ابان بن لاحق، قرن سوم و فخرالدین اسعدگرگانی، قرن پنجم آن‌ها را به شعر عربی و فارسی سروده‌اند (صفا، ۱۳۸۲: ۳۳۱/۱). این چند اثر قدیمی‌ترین داستان‌هایی هستند که در زمره ادبیات داستانی منظوم فارسی شناخته شده‌اند. در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، داستان‌سرایی به صورت قصه‌پردازی و نقل حکایات و داستان‌های کوتاه در ادب فارسی معمول بوده است.

از سده سیزدهم و شعر دوره بازگشت به بعد، به خاطر تغییرات شدید اجتماعی و سیاسی که در ایران رخ می‌دهد، ظاهراً توجه شعرا به داستان‌سرایی کمتر می‌شود و شعرای دوره بازگشت بیشتر به مدح و منقبت، و شعرای عصر مشروطیت به بیان مسائل سیاسی و انتقاد از اوضاع نابسامان اجتماعی می‌پردازند. خواجه زین‌العابدین علی عبدی‌بیگ (نویدی) شیرازی از شعرای قرن دهم (۸۸۹-۱۲۹ ق) صاحب پانزده مثنوی در سه خمسه است و مثنوی جام جمشیدی نخستین مثنوی شاعر در سال ۹۴۳ ه. در بحر هزج و در ۳۳۷۸ بیت سروده شده و ماجرای عشق و دلدادگی جمشید به دلارا، دختر پادشاه زابل است. اندازه صفحات این مثنوی، بیست و چهار در هجده سانتی‌متر است و به خط خوش نستعلیق نگاشته شده، اگرچه نام کاتب آن مشخص نیست. این نسخه شامل ششصد صفحه است و اشعار هر صفحه، در چهار ستون و بیست و سه سطر، با خط ریز نوشته شده است. مثنوی «جام جمشیدی» از صفحه ۵۹ آغاز گردیده و تا صفحه ۱۲۶ ادامه می‌یابد. متن نسخه با مرکب مشکی بر روی کاغذ نخودی نگاشته شده و عناوین و برخی از آیات و احادیث با مرکب شنگرف (سرخ) خطاطی شده است. این نسخه مشتمل بر دو خمسه و هفت خزانه و دربرگیرنده ۲۷۶۰۰ بیت است.

نسخه دیگر این منظومه با شماره ثبت ۳۸۱۹ در آرشیو فرهنگستان علوم آذربایجان شوروی قابل دسترس نیست. این منظومه، ماجرای عشق و دلدادگی جمشید به دلارا، دختر پادشاه زابل را به تصویر کشیده است؛ داستانی که در روایت‌های مختلف شفاهی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، اسکندرنامه و... هریک، به نوعی بدان پرداخته شده است.

همچنین درباره داستان جمشید در گرشاسب‌نامه مقالاتی به چاپ رسیده است از جمله: «نوع و تبیین کارکرد واسطه در داستان جمشید و دختر گورنگ‌شاه زابلی از گرشاسب‌نامه اسدی طوسی»، نوشته مهدی ضیایی و محمود براتی خوانساری و «نقد بلاغی داستان زال و رودابه شاهنامه فردوسی و داستان جمشید و دختر شاه زابل گرشاسب‌نامه اسدی» نوشته علی‌رضا عرب بافرانی، «بررسی برخی همپوشانی‌ها و اختلافات بین شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه در مورد جمشید، فریدون، مازندران و...» نوشته کاظم دزفولیان، عباس شنکایی، مجتبی دماوندی؛ «طلسم جمشید؛ نقد و بررسی بن‌مایه‌ای اسطوره‌ای در منظومه‌های پهلوانی و طومارهای نقالی با تکیه بر سام‌نامه» نوشته منوچهر

جوکار محمود رضایی دشت ارژنه مختار ابراهیمی لاله آشنا، و... اما تاکنون دو منظومه گرشاسب‌نام و جام جمشیدی به‌گونه‌ی قیاسی مورد بحث و بررسی واقع نشده و پیش از این در این باره پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

نتیجه‌گیری

چنانکه آشکار است، اسطوره‌ها نمادین‌اند؛ یعنی باز نمود اندیشه‌ها، آرزوها، آرمان‌ها، یا نیازهای بشر در بستر زندگی روزمره‌اند، اما نه نمادی از واقعیت موجود، بلکه نمادی از جهانی برساخته از آرزوها، خواسته‌ها، و زیرساخت‌های اندیشگانی هر قوم. این اسطوره‌ها، به مرور، بازتاب‌های ادبی می‌یابند و در هر ذهن و اندیشه‌ای به‌گونه‌ای خاص نماد می‌یابند. به سخن دیگر، جوامع انسانی در هر دوره از سیر تکاملی خویش، اسطوره‌ها و افسانه‌های نوینی مطابق با آرزوهای خود ساخته. یعنی، از نیروی خیال قهرمانان تازه‌ای نیافریده؛ بلکه یا از پدیده‌های پیشتر آفریده شده، تلفیقی برقرار ایجاد نموده و یا کل روایت‌های کهن را بازسازی نموده است. این امر با برخورداری از روش‌های گوناگونی صورت گرفته، همچون: تکرار و نمونه‌برداری از صورت‌های موردپسند کهن و ترکیب جزء و کل و فرد و نوع؛ ادغام چند عنصر اسطوره‌ای پیشین در یکدیگر، یاری گرفتن از عوامل و عناصر اساطیری اقوام دیگر؛ دگرگونی بنیادی یک اسطوره و روایت و پدیده ذهنی به‌گونه‌ی ریشه‌ای و...

اسطوره جمشید نیز از این امر مستثنی نیست؛ چنانکه تحول تدریجی اسطوره جمشید در طول تاریخ، قابل مشاهده است. از اشاره به جمشید در اسطوره آفرینش و مرگ در ودا گرفته تا حضور نمادین به‌عنوان قهرمان شهریار و پهلوانی در گاهان، و تا اسطوره‌ی تجدید حیات در اوستای جدید. پس از آن نیز با تغییر اسطوره‌ی جمشید در دوره‌ی اسلامی روبه‌رو می‌شویم؛ از تصویر پادشاهی که به ایجاد چهار طبقه‌ی اجتماعی موبدان، سپاهیان، کشاورزان، صنعتگران پرداخت تا شخصیتی که به کشف جواهرات و ساخت عطریات، ساخت سلاح‌های جنگی، نساجی و خیاطی، استخدام دیوان برای بردن تخت پادشاهی به آسمان؛ مرسوم‌نمودن نوروز، ساختن دژ (ورجمکرد یا بهشت زمینی) و... پرداخت. بازتاب عاشقانگی و دلدادگی او نیز که ردی در تاریخ دارد و اثری در تخیلات و آرزومندی‌های مخاطبان این اسطوره، در آثار مختلفی که در دوران‌های گوناگون پدید آمده، به شکلی و صورتی متفاوت در دسترس مخاطبان قرار گرفته است؛ در آثاری حماسی از نوع گرشاسب‌نامه به نوعی و در منظومه‌های عاشقانه متأخر از نوع جام جمشیدی به‌گونه‌ای دیگر.

فهرست منابع و مآخذ

- آذربیدگدلی، لطفعلی بن آقاخان. (۱۳۳۷). آتشکده آذر. گردآورنده سیدجعفر شهیدی، تهران: مؤسسه نشر کتاب.
- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۰). الکامل فی التاریخ (تاریخ کامل). ج ۱، ترجمه: سید محمد حسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن بلخی. (۱۳۴۲). فارس‌نامه. به کوشش علی‌نقی بهروزی، شیراز: بی‌نا.
- ابن ندیم. (بی‌تا). الفهرست. قاهره: مطبعة الاستقامة.
- اسدی طوسی، علی. (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به کوشش حبیب یغمایی، تهران: بی‌نا.
- افشاری، مهران؛ هدایینی، مهدی. (۱۳۷۷). هفت لشکر. تهران: علمی.
- اکبرلو، منوچهر. (۱۳۹۷). «منظومه‌ای در ستایش یکتاپرستی». نگاهی اجمالی به منظومه‌ی آسوریک، نشریه‌ی جوان.

- انجوی شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). فردوسی‌نامه. تهران: علمی.
- اوحدی دقایقی بلیانی، تقی‌الدین. (۱۳۸۸). عرفات العاشقین و عرصات العارفین. جلد چهارم، تصحیح: سید محسن ناجی نصرآبادی، چاپ چهارم، تهران: اساطیر.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۱). طومار نقالی شاهنامه. تهران: به‌نگار.
- بلعی، محمد، (۱۳۵۳)، تاریخ، به کوشش محمدتقی بهار و محمدپروین گنابادی، تهران: بندهش. (۱۳۸۵). ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۰). الآثارالباقیة، به کوشش پرویز اذکایی، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث‌پورداد، ابراهیم. (۱۳۵۶). یسنا، بمبئی. تهران: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی.
- (۱۳۵۶). یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: علمی.
- ثعالبی، عبدالملک. (۱۳۷۶). ثمار القلوب، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، مشهد: بی‌نا.
- رازی، امین احمد. (۱۳۸۷). تذکره هفت اقلیم. تصحیح سید محمدرضا طاهری، ج ۱، تهران: سروش.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۵). نوروزنامه. منسوب به عمر خیام، به کوشش مجتبی مینوی، تهران: کتابخانه کاوه، وندیداد، ترجمه هاشم رضی، تهران: سخنوران.
- روایانی، وحید. (۱۳۹۲). سام‌نامه. تهران: میراث مکتوب.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۳). کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). حماسه‌سرایی در ایران: از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- طبری آملی، محمدبن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ طبری. مترجم: ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: نشر اساطیر.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۶۷)، ترجمه تفسیر طبری، فراهم آمده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی، ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری، به تصحیح: حبیب یغمایی، ج ۷، تهران: توس.
- عبدی‌بیگ شیرازی، زین‌العابدین علی. (۱۳۹۶). تکملة‌الخبار. تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشرنی.
- (۱۹۶۶). لیلی و مجنون، تصحیح ابوالفضل رحیم اوف، مسکو.
- (۱۹۶۷). هفت اختر. تصحیح ابوالفضل رحیم اوف، مسکو.
- (۱۳۹۵). جنات عدن. تهران: انتشارات سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم. تهران: قطره.

کاشی، محمدبن علی تقی‌الدین. (۱۳۸۴). خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار. چاپ عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران: میراث مکتوب.

کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۸۳)، نخستین انسان و نخستین شهریار، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران: چشمه.

گردیزی، عبدالحی. (۱۳۶۳)، زین‌الخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: علمی و فرهنگی.

مجم‌التواریخ و القصص. (۱۳۱۸). به کوشش محمدتقی بهار، تهران: بی‌نا.

مسعودی، علی. (۱۳۸۴). مروج‌الذهب. به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره: بی‌نا.

مقدسی، مطهر. (۱۹۰۳). البدء و التاریخ. به کوشش کلیمان هوار، پاریس.

